نمایش اقتدار جبهه مقاومت از خلیج فارس تا دریای سرخ بررسی شد

بن‌بست استکبار در هرمز و باب‌المندب

بامداد دوشنبه منطقه غرب آسیا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین تحولات میدانی و تغییرات شگرف در معادلات قدرت بود. در پی ماجراجویی‌های مکرر و اقدامات تجاوزکارانه ائتلاف غربی-عربی به سرکردگی رژیم تروریستی ایالات متحده آمریکا و همراهی رژیم متجاوز سعودی، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت در یمن، پاسخ‌های کوبنده، چندلایه و تاریخی را به نمایش گذاشتند. این تحولات که از توقیف قانونی شناورهای متخلف در خلیج فارس آغاز شد و تا انهدام نقاط مهمی از پایگاه‌های استراتژیک آمریکا در منطقه و رسوایی ائتلاف سعودی در یمن امتداد یافت، پیام روشنی برای جهان مخابره کرد: دوران بزن‌درو و عربده‌کشی‌های استکبار جهانی در منطقه به پایان رسیده است.

دفاع از حاکمیت در برابر تجاوز

زنجیره رویدادهای دراماتیک و تنش‌زای اخیر با اقدام کاملاً قانونی و حرفه‌ای دلاورمردان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آب‌های تحت حاکمیت ایران کلید خورد. توقیف دو کشتی متخلف که با خاموش کردن عمدی سامانه‌های شناسایی، امنیت کشتیرانی بین‌المللی در تنگه استراتژیک هرمز را به مخاطره انداخته بودند، حق مسلم و قانونی ایران بود. با این حال، فرماندهی مرکزی تروریست‌های آمریکایی (سنتکام) در واکنشی نامتناسب، تجاوزکارانه و زنجیره‌ای از اقدامات تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران را نقض کرده و نقاطی در جنوب و مرکز کشور از جمله خوزستان، هرمزگان، بوشهر، سیستان و بلوچستان و مرکزی را هدف قرار داد.

بر اساس گزارش‌های میدانی تایید شده، این حملات کور در بامداد دوشنبه به چندین نقطه در استان خوزستان از جمله بهبهان، دزفول، امیدیه، ماهشهر و اندیمشک اصابت کرد. در جریان هدف‌گیری یک پمپ آب کشاورزی در شهرستان ماهشهر، ماهیت ضدانسانی و کودک‌کش ارتش آمریکا بار دیگر به منصه ظهور رسید و یکی از نگهبانان زحمتکش این مجموعه به نام محمد کرمی که در حال انجام وظیفه بود، به فیض شهادت نائل آمد و چند تن دیگر نیز مجروح شدند. همچنین گزارش‌ها از وقوع انفجارهایی در بنادر عباس، سیریک، بوشهر، کنگان، چابهار و همچنین منطقه‌ای در خارج از شهر خنداب در استان مرکزی حکایت داشت که خوشبختانه تلفات جانی برای غیرنظامیان درپی نداشت.

جهنم در پایگاه‌های آمریکایی

جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که هیچ تجاوزی به خاک و حریم خود را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. ساعاتی پس از این حماقت آشکار، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با سرعت عمل خیره‌کننده و دریک عملیات دقیق و کوبنده سه‌مرحله‌ای، تأسیسات و پایگاه‌های حیاتی ارتش ایالات متحده را در کشورهای حاشیه خلیج فارس و منطقه به آتش کشید.

در موج نخست این عملیات غرورآفرین، انبوهی از موشک‌های بالستیک و پهپادهای انتحاری سپاه، پایگاه استراتژیک پرنس حسن (موفق السلطی) در اردن را هدف قرار دادند که منجر به انهدام زاغه‌های مهمات و مخازن سوخت شد و پروازهای فرودگاه بین‌المللی امان را به تعطیلی کشاند. در گام دوم، پایگاه شیخ عیسی در بحرین که محل نگهداری هواپیماهای پیشرفته جنگ الکترونیک و مرکز فرماندهی پهپادی آمریکا بود، زیرضربات مهلک قرار گرفت و انفجارهای پی‌درپی سراسر بحرین را در وحشت و وضعیت هشدار پناه‌گیری فرو برد. مرحله سوم و نهایی این عملیات نیز به انهدام کامل سامانه‌های پدافندی پاتریوت و رادارهای راهبردی در پایگاه‌های علی‌السالم و احمد الجابر کویت اختصاص یافت.

این پایان کار نبود؛ دلاورمردان نیروی دریایی سپاه نیز در پنجمین مرحله از اقدامات تقابلی خود، علاوه بر هدف قرار دادن زیرساخت‌های متجاوزان در جفیر بحرین، رادار دوربرد هوایی و رادار کشف شناوری ارتش آمریکا در پادشاهی عمان را با ضربات کوبنده بهپادی و موشکی با خاک یکسان کردند. ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در دو جدید حملات پهپادی خود، محل استقرار نیروهای آمریکایی و سوله‌های پشتیبانی آنان در کویت را در هم کوبید و برعزم راسخ نیروهای مسلح در دفاع از تمامیت ارضی کشور تاکید ورزید.

گزافه‌گویی‌های ترامپ و هشدارهای قاطع نظامیان ایران

در بحبوحه این آتش‌باری‌های سنگین که بازار جهانی نفت را با جهش نزدیک به سه درصدی قیمت‌ها مواجه ساخت و لرزه بر اندام بازارهای مالی جهان انداخت، دونالد ترامپ در گفت‌وگو با شبکه فاکس‌نیوز، با تکرار توهمات همیشگی خود ادعا کرد که آمریکا نگهبان تنگه هرمز خواهد شد و بابت کنترل این آبراه پول دریافت خواهد کرد. این لفاظی‌ها در حالی مطرح می‌شود که وی خود به ناامن بودن جایگاهش و تبدیل شدنش به هدف شماره یک ایران اعتراف کرده است.

در پاسخ به این گزافه‌گویی‌ها و همزمان با عملیات‌های میدانی، سرهنگ دوم پاسدار ابراهیم ذوالفقاری، سخنگوی قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا، با لحنی هشدارآمیز و قاطع اعلام کرد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تحت هیچ شرایطی به آمریکا اجازه دخالت در مدیریت تنگه هرمز را نخواهند داد. وی با تاکید بر برخورد شدید با هرگونه اختلال ارتش راهزن آمریکا در عبور و مرور کشتی‌ها، به صراحت به سران کشورهای منطقه هشدار داد که واگذاری پایگاه و هرگونه پشتیبانی لجستیکی از ارتش آمریکا، به منزله جنگ علیه امنیت ملی ایران تلقی شده و شعله‌های آن دامان تمام کشورهای منطقه را فرا خواهد گرفت.

در عرصه دیپلماتیک نیز، اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به سکوت شرم‌آور و جانبداری سازمان ملل، اقدامات ایران را مصداق بارز حق ذاتی دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد دانست و تاکید کرد که ایران همواره بر اصل تعهد در برابر تعهد پایبند است و مسئولیت تمام ناامنی‌های فعلی متوجه واشنگتن و حامیان منطقه‌ای آن است.

رسوایی و استیصال رژیم سعودی در آسمان یمن

در جبهه‌ای دیگر از محور مقاومت، رژیم متجاوز سعودی که پس از سال هاجنگ افروزی دریمن به بن‌بست کامل رسیده است، در اقدامی از سر استیصال و جنون، فرودگاه بین‌المللی صنعا را بمباران کرد. این جنایت با هدف جلوگیری از فرود یک فروند هواپیمای مسافربری شرکت ماهان که حامل بیماران یمنی و هیئت رسمی این کشور بود، صورت گرفت. با وجود این محاصره هوایی و بمباران وحشیانه، خلبانان شجاع ایرانی موفق شدند هواپیما را با تغییر مسیر در فرودگاه الحدیده در غرب یمن به سلامت به زمین بنشانند. این اقدام جسورانه که شکست هیمنه محاصره ۱۵ ساله یمن را به تصویر کشید، خشم مقامات صنعا را برانگیخت. محمد عبدالسلام، رئیس هیأت مذاکره‌کننده دولت صنعاء، بمباران فرودگاه را نقض آشکار حاکمیت یمن و تخلف بزرگ از آتش‌بس سال ۲۰۲۲ خواند و سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، ضمن اعلام جنگ تلقی کردن این اقدام، وعده داد که این حماقت رژیم سعودی بی‌پاسخ نخواهد ماند و درهای جهنم به روی ریاض گشوده شده است.

تحولات تاریخی بیست و دوم تیرماه ۱۴۰۵، بار دیگر ثابت کرد که دیپلماسی مقاومت و اقتدار میدانی، تنها زبان قابل فهم برای متجاوزان است. خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای سرخ اکنون بیش از هر زمان دیگری در کنترل صاحبان اصلی آن است و ائتلاف غربی-عربی در لانه‌ای استراتژیک گرفتار شده‌اند که هرگونه دست‌وپا زدن در آن، تنها به فروپاشی سریع‌تر هژمونی رو به زوال آن‌ها سرعت می‌بخشد.

چرا حزب‌الله لبنان با توافق بیروت-تل‌آویو مخالف است؟

سد محکم مقاومت در برابر یک سند ننگین

محمد بیات

در شرایطی که نبرد رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان و رژیم صهیونیستی در جبهه جنوب لبنان همچنان یکی از مهم‌ترین کانون‌های تنش در معادلات امنیتی خاورمیانه به شمار می‌رود، امضای توافق موسوم به «توافقنامه چارچوب» میان لبنان و اسرائیل با میانجی‌گری ایالات متحده بار دیگر مسئله صلح را در بستری از ابهام‌های راهبردی و رقابت‌های امنیتی مطرح کرده است.

این توافق که در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۶ در واشنگتن اعلام شد، نه به‌عنوان یک معاهده نهایی برای پایان منازعه، بلکه بیشتر به مثابه چارچوبی مرحله‌ای برای مدیریت تنش و بازآرایی وضعیت امنیتی جنوب لبنان طراحی شده است. براساس خطوط کلی ادعایی این توافقنامه، خروج تدریجی رژیم صهیونیستی از بخش‌هایی از جنوب لبنان با استقرار گسترده‌تر ارتش لبنان و ایجاد مناطق موسوم به مناطق آزمایشی همراه می‌شود؛ روندی که در عین حال به تحقق شروطی همچون خواسته صهیونیست‌ها برای خلع سلاح حزب‌الله در سراسر لبنان، پیوند خورده است. پیوند مستقیم میان روند صلح و مسئله خلع سلاح حزب‌الله، از همان ابتدا ماهیت توافق را از یک سازوکار صرف برای کاهش تنش بین طرفین درگیر به تلاشی برای بازتعریف موازنه قدرت در جنوب لبنان تبدیل کرده است.

از منظر رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن، این چارچوب می‌تواند گامی در جهت مهار تهدیدات مرزی و کاهش حضور نظامی بازیگران غیردولتی در نزدیکی مرزهای شمالی فلسطین اشغالی تلقی شود. با این حال، در نگاه حزب‌الله و بخشی از جریان‌های سیاسی لبنان، چنین ترتیباتی نه تنها تضمینی برای پایان درگیری‌ها فراهم نمی‌کند، بلکه می‌تواند به تضعیف معادله بازدارندگی و ایجاد نوعی نظم امنیتی جدید در جنوب لبنان منجر شود؛ نظمی که در آن توازن میان بازیگران دولتی و غیردولتی به طور اساسی دگرگون خواهد شد.

از همین رو، مناقشه پیرامون این توافق صرفاً به اختلاف بر سر یک ترتیبات مرزی محدود نمی‌شود، بلکه به پرسش‌های عمیق‌تری درباره نسبت میان صلح، حاکمیت ملی، بازدارندگی و آینده معادله امنیتی لبنان گره خورده است. در چنین فضایی، مخالفت صریح حزب‌الله با توافق چارچوب واشنگتن را باید نه صرفاً واکنشی سیاسی، بلکه بخشی از تلاش این بازیگر برای حفظ جایگاه خود در معادله امنیتی لبنان و جلوگیری از تغییر بنیادین در جغرافیای امنیتی جنوب این کشور دانست.

توافق چارچوب اعلام شده در واشنگتن را باید در درجه نخست تلاشی برای مدیریت وضعیت جبهه درگیری حزب‌الله و رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان و شمال فلسطین اشغالی و ایجاد نوعی بازآرایی تدریجی در جغرافیای امنیتی جنوب لبنان دانست. بر اساس خطوط کلی این چارچوب، قرار است روندی مرحله‌ای برای کاهش حضور نظامی اسرائیل در برخی مناطق جنوب لبنان آغاز شود و در مقابل، ارتش لبنان مسئولیت اداره امنیتی این مناطق را به تدریج بر عهده بگیرد.

ایجاد مناطقی موسوم به مناطق آزمایشی در این طرح، در ظاهر تلاشی برای انتقال کنترل امنیتی نوار جنوب لبنان به دولت این کشور است؛ رویکردی که از نگاه طراحان آن می‌تواند به تقویت حاکمیت دولت لبنان و کاهش احتمال درگیری‌های مرزی بین طرفین منجر شود. با این حال، این روند در عمل با یک شرط دور از ذهن یعنی خلع سلاح حزب‌الله در سراسر سرزمین لبنان گره خورده است. همین شرط باعث شده است که توافق مزبور صرفاً به یک ترتیبات مرزی محدود نماند و با معادله توازن قدرت در ساختار امنیتی لبنان گره بخورد. در چنین چارچوبی، مسئله اصلی دیگر تنها عقب‌نشینی اسرائیل یا استقرار ارتش لبنان نیست، بلکه تلاشی برای تضعیف جایگاه مقاومت اسلامی لبنان در معادلات امنیتی کشور است. با وجود آن که توافق واشنگتن به عنوان گامی مهم برای کاهش تنش معرفی شده، متن و سازوکار اجرایی آن همچنان با ابهامات قابل توجهی روبه‌رو است. نخستین ابهام به مسئله زمان‌بندی و شروط خروج نظامیان اسرائیلی از سرزمین‌های اشغالی لبنان مربوط می‌شود. در حالی که چارچوب توافق از خروج تدریجی نظامیان رژیم صهیونیستی سخن می‌گوید اما هم زمان تأکید شده است که این خروج به تحقق شروط امنیتی مشخصی، از جمله رفع تهدید حزب‌الله از مرزهای شمالی این رژیم وابسته خواهد بود. چنین فرمولی در عمل می‌تواند امکان تداوم حضور اسرائیل در برخی مناطق جنوب لبنان را برای مدت نامعلومی مهیا سازد.

ابهام دوم به جزئیات ترتیبات امنیتی در مناطق آزمایشی بازمی‌گردد. بخش مهمی از مفاد توافق در قالب پیوست‌های امنیتی منتشر نشده باقی مانده است؛ موضوعی که ارزیابی دقیق نحوه استقرار ارتش لبنان، نقش نیروهای بین‌المللی و سازوکارهای نظارتی را دشوار می‌کند. در شرایط عدم شفافیت درباره این جزئیات، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این چارچوب واقعاً می‌تواند به تثبیت یک نظم امنیتی پایدار منجر شود یا صرفاً مرحله‌ای موقت در مدیریت بحران کنونی است.

در چنین فضایی، مخالفت صریح حزب‌الله با توافق واشنگتن را باید در چارچوب ملاحظات راهبردی این بازیگر تحلیل کرد. از نگاه حزب‌الله، پیوند دادن خروج اسرائیل از جنوب لبنان با خلع سلاح این حزب به معنای تغییر بنیادین در معادله بازدارندگی است که طی دو دهه گذشته در مرزهای لبنان و اسرائیل شکل گرفته است. این معادله بر پایه توان نظامی حزب‌الله و ایجاد هزینه بازدارندگی برای اسرائیل بنا شده و از دید این گروه، مهم‌ترین عامل جلوگیری از گسترش درگیری‌ها در جبهه شمالی بوده است. بر همین اساس، پذیرش چارچوبی که در نهایت به محدودسازی یا حذف این توان نظامی منجر شود، از نگاه حزب‌الله نه تنها تضعیف موقعیت مقاومت، بلکه گشودن مسیر برای شکل‌گیری یک نظم امنیتی جدید در جنوب لبنان تلقی می‌شود؛ نظمی که در آن ابتکار عمل امنیتی بیشتر در اختیار اسرائیل و سازوکارهای بین‌المللی قرار خواهد گرفت. افزون بر این، اجرای چنین توافقی در فضای سیاسی شکننده لبنان می‌تواند شکاف‌های داخلی را نیز تشدید کند، زیرا هرگونه تلاش برای خلع سلاح حزب‌الله با مخالفت بخش مهمی از جریان‌های سیاسی و اجتماعی کشور روبه‌رو خواهد شد. در مجموع، واکنش منفی حزب‌الله را باید بخشی از تلاش این بازیگر برای جلوگیری از تغییر در موازنه قدرت و حفظ جایگاه خود در معادله امنیتی لبنان دانست؛ معادله‌ای که طی سال‌های گذشته به یکی از عناصر کلیدی ثبات نسبی در مرزهای شمالی اسرائیل تبدیل شده است. به بیان دیگر، حزب‌الله توافق واشنگتن را نه پایان اشغال، بلکه چارچوبی برای مشروط‌سازی خروج اسرائیل به خلع سلاح و کاهش توان نظامی خود ارزیابی می‌کند. از سوی دیگر، ابهام‌های اجرایی توافق، محرمانه بودن بخشی از پیوست‌های امنیتی، نبود جدول زمانی روشن برای عقب‌نشینی کامل اسرائیل از مناطق اشغالی و خطر انتقال منازعه به درون ساختار سیاسی لبنان، امکان تبدیل این چارچوب به صلحی پایدار را با تردیدهای جدی روبه‌رو کرده است.

امت سیدعلی

سیدمقدام حیدری

کم ترکسی تصور می‌کرد، تشییع پیکر آقای شهیدمان در عراق این قدر باشکوه باشد. برخی از صحنه‌های داغ‌داری و عاشقی را که مردم عراق خلق و ضبط کردند، در ایران هم دیده نشد. آن به سر و سینه زدن‌ها، آن شور و حماسه و حضور، آن ازدحام دریاگونِ موّاج زیرِ تابوتِ آقا همه حکایت از آن داشت که مردمِ عراق یک نفر از خودشان را تشییع می‌کردند. این تشییع، نه فقط در ایران، که در عراق هم بی‌سابقه بود. مردمِ عراق تا کنون هیچ شخصیت عراقی را این گونه تشییع نکرده بودند. برای حاج قاسم هم سنگ تمام گذاشته بودند. حتم دارم اگر شهید سید حسن نصرالله، در ایران و عراق تشییع می‌شد، بازحماسه‌ای میلیونی و چشم‌خیره‌کن شکل می‌گرفت.

آقای شهید، ایرانی بود اما میلیون‌ها عراقی، لبنانی، یمنی، حجازی، بحرینی، پاکستانی و افغانستانی عاشقش بودند و از عمق جان، برایش گریستند؛ همان گونه که ما و عراقی‌ها و دیگران داغ‌دار سید حسن نصرالله لبنانی شدیم. واقعیت این است که این شخصیت‌های بزرگ، فراتر از وطن، ملیت و قومیت‌اند. این داغ و عشق و شور و حماسه را نمی‌شود با ادبیات وطن‌پرستی تفسیر کرد. قدّ ادبیات وطن‌پرستی به بلندای این احساسات فراوطنی نمی‌رسد.

نه می‌خواهم حب‌الوطن را تخطئه کنم، نه ادبیات میهنی و وطن‌پرستی را، و نه سروده‌ای ایران ایران را که از قضا آقای شهیدمان دوستش می‌داشت. بل که در کنار هویت ایرانی که خوب برایش می‌گوییم و می‌سراییم. هویت دیگری را باید ساخت یا شناخت و به آن پرداخت. هویتی که جوان انقلابی ایرانی ما را، باعرب عراقی و لبنانی و اردو زبان پاکستانی و خنجرِبه کمرِ یمنی و نقاب‌پوشِ فلسطینی و هم‌سایه‌ی رنج کشیده و مظلوم افغانستانی در یک قاب جمع می‌کند. چرا که واقعیت این است که نه شادی‌های بزرگ ما به این مرز و بوم محدود است، و نه داغ و مصیبت‌های مان. پس تن‌ها ادبیات وطن‌پرستی نمی‌تواند ما را حکایت و تعریف کند.

ما هویتی داریم فرای ایرانی بودن. آن عراقی هم هویتی دارد فرای عراقی بودن. از این روست که او در اربعین برای ایرانی‌ها نوکری می‌کند و احساس ذلت نمی‌کند. و دقیقاً از همین روست که شهید ابومهدی در عراق مصاحبه می‌کند و می‌گوید: من سرباز حاج قاسمم. و حاج قاسم، در ایران درسخن رانی‌اش در جمع هزاران نفر، می‌گوید: من سرباز ابومهدی‌ام! و باز دقیقاً به خاطر همین هویت مشترک فراوطنی است، که شهید سید حسن نصرالله لبنانی، در همان سالی که مرد یک جهان عرب شناخته شد، این جا در تهران در برابر دنیا خم شد و دست آقای شهید را بوسید. و جالب است آقای مقتدر ایرانی ما در یکی از پیام‌های رسمی و علنی‌اش به سید حسن نصرالله پیام می‌دهد و می‌گوید: دست شما و مجاهدان حزب‌الله را می‌بوسم. این هویت فراوطنی و فراملی را شهید نابغه‌ی عراقی تاریخ اسلام آیت الله سید محمدباقر صدر هم به خوبی داشت و می‌شناخت که به شاگردانش فرمود: در امام خمینی ذوب شوید همان گونه که او در اسلام ذوب شده بود.

این هویت، آیا هویت اسلامی ماست؟ آیا هویت شیعی ماست؟ آیا هویت مقاومت ماست؟ آیا هویت مستضعف بودن ماست؟ دقیقاً نمی‌دانم. بگذارید آن را هویت اسلام ناب بنامم. شاید اسم دیگری مناسبش باشد. هرچه هست، هویتی است بسیار عمیق و اصیل و ناب، که کارستان می‌کند و آینده‌ی اسلام و ایران، بیش‌تر وام‌دار این هویت خواهد بود، تا هویت ملی. این هویت اگرچه هست، ولی باید بیش‌تر آن را دید و بیش‌تر به آن پرداخت. با همین هویت یک سوّم گلزار شهدای قم را شهدای عراقی تشکیل داده‌اند. و باز در آینده این هویت فراملّی بیش‌تر خون‌های ما را در هم خواهد آمیخت.

فرهنگ، نظام، هنجار، ادبیات، و حتی قوانین‌مان باید این هویت فراملی را به رسمیت بشناسد و بشناساند. قوانین کشورهم باید بفهمد که خارجی داریم تا خارجی. قاعدتاً آلمانی و فرانسوی با عراقی و لبنانی باید فرق کند. زائر و توریست را نباید به یک چشم دید. که فرمود: (وَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض).

سند وفاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سوری هاچ بک پراید ۱۱۱ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۰ به نام درملک محمدی به شماره انتظامی ۲۹۷ س ۷۱ - ایران ۹۵ به شماره موتور ۳۹۰۱۳۵۹ و شماره ساسی s۵۴۳۰۰۸۹۰۴۲۹۰۱ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پلاک خودروی سواری کرایه پژو ۴۰۵ CNG GLX-XU7 به رنگ زرد روغنی مدل ۱۳۹۰ به نام جاسم بلوچ زهی به شماره انتظامی ۹۸۸ ع ۲۶ - ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۰۲۱۷۰ و شماره شاسی NAAM11CA9BE۰۷۷۶۷۳ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی مینی بوس کارسان ۹ J به رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۰۷ به نام ابادر حاملی ساران به شماره انتظامی ۶۷۶ ع ۵۴ - ایران ۶۸ به شماره موتور D۷Y۷۴K۳۵۶۲۸ و شماره شاسی NLNOP۷۴۰۱۰۷۴۰۱۶۵۸ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی مینی بوس کارسان ۹ J به رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۰۷ به نام مهران اسدی لویه به شماره انتظامی ۳۶۷ ع ۴۸ - ایران ۱۱ به شماره موتور D۷Y۷۴E۳۴۵۲۹ و شماره شاسی NLNOP۷۴۰۱۰۷۴۰۰۶۴۲ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی مینی بوس کارسان ۹ J به رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۰۷ به نام محمود نوروزی نژاد به شماره انتظامی ۵۲۸ ع ۵۲ - ایران ۱۱ به شماره موتور D۷Y۷۴G۳۴۹۵۵ و شماره شاسی NLNOP۷۴۰۱۰۷۴۰۱۲۰۰ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس آی ۱/۸ به رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۵ به شماره موتور ۱۲۴۸۵۰۲۸۶۶۹ و شماره شاسی ۱۳۲۲۵۴۱۹ به شماره انتظامی ۹۴۳ ب ۹۸ - ایران ۹۵ به نام ستاره ده مرده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی وانت نیسان ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۸ به رنگ آبی روغنی به شماره موتور ۵۰۵۲۹۵ و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TBM۲۱۵۱۰۰ به نام ذبیح الله براهوئی به شماره انتظامی ۹۳۴ ط ۵۸ - ایران ۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و پلاکت مشخصات خودروی وانت نیوتوا ۱۶۰۰ به رنگ سورمه ای معمولی مدل ۱۹۸۲ به نام غلامرضا مودی به شماره انتظامی ۷۵۷ د ۴۲ - ایران ۳۲ به شماره موتور ۱۲R۲۷۶۲۲۶۰ و شماره شاسی ۴۰۱۴۹۹۴۴ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی پژو سواری ۴۰۵ GLXI به رنگ نقره ای مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۲۳۷۱۷۴ و شماره شاسی NAAM11CA۸CE۲۸۹۴۸۲ به شماره انتظامی ۶۹۱ ج ۳۷ - ایران ۶۵ به نام حمید افشاری پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو PARS TU ۵ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ به شماره موتور ۱۸B۰۱۳۱۹۴۶ و شماره شاسی NAAN۱۱FE۴LH۳۰۸۸۲۳ به شماره انتظامی ۷۱۸ ن ۵۱ - ایران ۲۹ به نام مژگان مقصودی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی شاهین رنگ سفید شیری مدل ۱۴۰۵ به شماره انتظامی ایران ۱۹-۷۱۱ل۹۷ شماره موتور ۲۱۸۵۴۰۷ M۱۵TC شماره شاسی NAS۱۱۱۰۰S۱۱۸۸۱۸۱ به مالکیت محمد سالمیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت ماشین وانت دوکابین پاژن مدل ۱۳۸۶ به رنگ نقره روغنی به شماره انتظامی ۳۷۳ب۷۶ ایران ۷۲ شماره موتور G۶AT۴E۹۹۴۶۳ به شماره شاسی NAMAIB۱۹۵۶۱۰۰۰۱۲۲ به نام میس فتحی فرزند غلامرضا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری پراید صبا مدل ۱۳۸۱ به رنگ سفید شیری به شماره انتظامی ۴۶۵ب۹۶ ایران ۲۳ به شماره موتور M۱۳۳۶۱۶۴۷ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۱۸۲۷۶۹۸ به نام خانم فاطمه سادات صادقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی موتورسیکلت KLD مدل ۱۴۰۴ به شماره انتظامی ۳۷۷-۴۶۸۶۳ به شماره موتور K۲۴۹۵۲۲ ۰۱۹۸NCV به شماره تنه NCVJVDPH۱S۱۰۰۲۶۶۶ به مالکیت شکراله نصیری اوزانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت سواری پژو پارس مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۶۷۲ ب ۵۳ ایران ۲۳ و شماره موتور ۱۶۴B۰۰۷۱۸۷۲ و شماره شاسی ۷۰۹۳۱۷ به نام بهزاد حسینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سرجاتکان جدید مدل ۲۰۲۵ سفید حلالی ۳ پوشه شماره شاسی LS۴ASE۷E۳SA۲۱۲۸۷۷ شماره موتور JL/۴۷۳ZQ۷ به شماره پلاک ۳۸ - ۷۱۹و۷۷ با نام رقیه کمالی ظهور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز کارت ماشین خودرو پیکان وانت مدل ۱۳۹۰ پلاک ۹۵۴ ب ۶۶ ایران ۵۷ موتور ۱۱۴۹۰۰۲۶۱۵۰ شاسی NAAA۴۶AAXBG۲۰۱۶۶۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب محمد اصلانی کتولی فرزند خیراله به شماره شناسنامه ۳۳۰ صادره از عالی‌آباد در مقطع تحصیلی لیسانس رشته علمی کاربردی حسابداری صادره از واحد دانشگاهی علی آباد کتول با شماره ۱۴۹۵۱۸۴۰۱۲۱۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

برگ سبز خودرو وانت زامیاد مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۷۲- ۷۹۹ط۷۱ و شماره موتور ۶۶۷۶۳۱ شماره شاسی NAZPL۱۴۰BE۰۳۸۱۱۲۹ به نام حبریل کیانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی خودرو سواری پژو تیپ پارس مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۶۱۳ق۳۳ ایران ۷۸ به شماره موتور ۱۲۴۸۸۳۵۵۷۴۸ و به شماره شاسی NAAN۲۱CA۴AE۴۲۴۹۶۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز اتومبیل سواری GLXI ۴۰۵ مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی ۲۲۵ط ۴۳ ایران ۶۳ به شماره شاسی NAAM۱۱CA۲BK۴۳۷۴۴۷ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۱۰۸۰۷۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

دفترچه تخصیص حق بهره برداری از قرارداد شماره ۱۰۰-۱۰۰ - و - ج مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۱۹ متعلق به واحد / شرکت آقای رحمت اله کسائی (سنگبری کسائی) واقع در شهرک صنعتی سپهرآباد شهرضا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) و برگ کمپانی موتورسیکلت یاماها MX تیپ ۱۵۰ به رنگ آبی مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۱۵۲- ۶۹۱۹۱ و شماره موتور N۳BNCYGKFP۱A۱۰۱۵۷ - ۰۶۸۳۲۵۱ و شماره تنه N۳BNCYGKFP۱A۱۰۱۵۷ به نام اصغر سهامی به شماره کد ملی ۰۴۸۰۶۸۸۹۱ - فرزند بهرام مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت برگ سبز موتورسیکلت سیستم احسان ۲۰۰CC مدل ۱۴۰۴ به شماره انتظامی ۷۶۳۷۳-۴۶۳ به شماره تنه N۱۴BVEKNES۱Y۱۶۱۵۰۰ به شماره موتور ۰۱۹۱N۱۴۲۲۲۱۱۲ به مالکیت امید عبدی فرزند - مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت هوشمند به شماره ۱۴۰۱۱۴۸ متعلق به کامیون باری چوبی سیستم ایسوزو تیپ NPR۷۰L مدل ۱۳۸۴ به شماره انتظامی ۶۱-۴۱۸ع ۱۲ به شماره موتور ۰۹۰۱۱۸ و شماره شاسی NAG۰۸۳NPRF۰۰۱۳۶ به مالکیت محمدرادمان بیگلری صادره از سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز (شناسنامه)، موتورسیکلت متین ۱۲۵CDI به شماره پلاک ۵۳۹-۵۷۲۷۷ رنگ مشکی مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور NDR۱۲۵* ۰۵۱۲۷۶۲۲ شماره تنه NDR* * *۱۲۵B۸۹۴۲۸۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت خودرو سواری سمند تیپ سورن XU۷P مدل ۱۴۰۴ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۲۵K۰۴۸۱۴۴۱ و شماره شاسی NAACV۱HLFSKK۹۰۵۹۷ به شماره پلاک ۵۴۱ن ۴۵ ایران ۲۱ به نام رقیه فصیحی فولادلو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو شاهین CVT سواری سایپا مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ایران ۷۲-۹۵۶ط۹۹ شماره موتور M۱۵TC/۲۱۰۰۹۹۲ شماره شاسی NAS۱۱۱۲۰۰P۱۱۰۲۷۴۶ به نام بهزاد مومنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودرو شاهین CVT سواری سایپا مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ایران ۷۲-۹۵۶ط۹۹ شماره موتور M۱۵TC/۲۱۰۰۹۹۲ شماره شاسی NAS۱۱۱۲۰۰P۱۱۰۲۷۴۶ به نام بهزاد مومنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی و اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری سیستم سایپا تیپ نیبا مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور M۱۵/۸۵۹۵۷۷۳ شماره شاسی NAS۱۱۱۰۰J۵۷۹۳۶۰۸ به شماره پلاک انتظامی ایران ۲۴-۴۷۱د۱۲۵ و به نام مالک اعظم عنایت نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

**برگ سبز (سند مالکیت) و سند فروش کمپانی موتورسیکلت KEEWAY K۲۴۹N مدل ۱۴۰۳ به رنگ نارنجی به شماره موتور N۲